

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی کشورهای منطقه در قبال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران عبدالعلی پورشاسب^۱ و محسن مرادیان^۲ و مجید آرش^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵

چکیده: باوجود آنکه کشورهای منطقه موانع زیادی سر راه جمهوری اسلامی ایران قرار داده و در روند جنگ نقش مهم و موثری ایفا کردند، مع الوصف هنوز این نقش به طور کامل و درخور رزمندگان شجاع ایران مورد کنکاش و مذاقه قرار نگرفته و نقش و چهره واقعی این کشورها برای ملت‌های منطقه حتی مردم و مسئولین ایران نمایانده نشده است. انجام تحقیق حاضر کمک خواهد کرد تا با دید وسیع‌تر روابط بین دول را بررسی نموده و با استفاده از نتایج آن در بحران‌های مشابه آینده و اقدامات سنجیده خود مانع از توسعه و گسترش بی‌دلیل دامنه دشمنی‌ها و بحران‌ها گردیم. هدف از اجرای تحقیق حاضر، تبیین رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی کشورهای تاثیرگذار منطقه‌ای در قبال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران بوده و به روش تاریخی و توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در این تحقیق اتکا به اسناد زیاد بوده و محقق ابتدا با استفاده از اسناد منتشر شده معتبر داخلی و خارجی به توصیف روابط دیپلماتیک کشورهای منطقه خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث عراق پرداخته و سپس با مراجعه به خبرگان برای تحقق اهداف تحقیق و اعتباریابی یافته‌های کتابخانه‌ای خود اقدام نموده است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که کشورهای حامی عراق در شروع جنگ، کمک‌های تدارکاتی و اطلاعاتی زیادی انجام نداده و این کمک‌ها فقط در حد قراردادهایی بود که از قبل با عراق داشتند؛ اما از زمانی که ایران وارد فضای جغرافیایی عراق شد، کمک‌های خود را افزایش دادند؛ لیکن نه به اندازه‌ای که عراق پیروز شود. در انتهای جنگ که عراق دوباره بخش‌هایی از ایران را اشغال کرد هم، شاید فشار آنها بود که صدام در ایران نماند و به مرزهای بین‌المللی بازگشت. درواقع حتی کشورهای حامی صدام هم نمی‌خواستند که جنگ پیروز نظامی داشته باشد.

واژگان اصلی: رفتار کشورهای منطقه، عملکرد کشورهای منطقه، حمایت کشورهای منطقه، جنگ تحمیلی، دفاع مقدس.

۱. دانشیار مدیریت دفاعی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

۲. دکتری امنیت ملی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mohsenmoradian@hotmail.com

۳. دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مقدمه

در طول سال‌های دفاع مقدس، کشورهای منطقه با حمایت وسیع مالی و در اختیار قرار دادن حریم هوایی خود به رژیم بعث عراق و حتی با در اختیار قرار دادن قسمتی از خاک خود جهت حمله و ایجاد مزاحمت برای ایران (نظیر کویت که جزیره بویان را در اختیار عراقی‌ها قرار داده بود) و گاهی نیز با ارائه اطلاعات مورد نیاز، از تجاوز بعثی‌ها علیه ایران حمایت کردند.

شدت حمایت کشورها از صدام را از مقایسه تجهیزات عراق در ابتدا و انتهای جنگ می‌توان دریافت. حمایت از رژیم بعث عراق در سه سال پایانی جنگ شتاب بیش‌تری به خود گرفت و برنامه‌های حمایتی از صدام، منجر به تقویت این کشور شد.

بدیهی است که برخی عوامل زمینه‌ساز جنگ ایران و عراق برای دانش پژوهان تاریخ جنگ روشن است. عواملی نظیر ظهور یک ایدئولوژی انقلابی و خطر آن برای ثبات سیاسی داخلی برخی حکومت‌ها و توازن قوای منطقه‌ای، قدرت‌طلبی و عطش کسب آبرو و اعتبار بیشتر و اعتماد به نفس نظامی بیش از حد. بسیاری از متغیرهای مذکور در این مورد خاص ارتباط تنگاتنگی با هم دارند؛ اما جالب توجه است که تهدید اولیه، بیشتر سیاسی بود تا نظامی و کسب اعتبار نیز آشکارا بیش از اهداف راهبردی و اقتصادی اهمیت داشت.

بیان مسئله

باوجود آنکه کشورهای منطقه با تحریک کشورهای فرامنطقه‌ای که آنان نیز نگران از دست دادن منافع و قدرت و سلطه خود در منطقه بودند، موانع زیادی سر راه جمهوری اسلامی ایران قرار داده و در روند جنگ نقش مهم و موثری ایفا کردند، مع‌الوصف هنوز این نقش به طور کامل و درخور رزمندگان شجاع ایران مورد کنکاش و مذاقه قرار نگرفته و نقش و چهره واقعی این کشورها برای ملت‌های منطقه حتی مردم و مسئولین ایران نمایانده نشده است. درواقع دغدغه محقق در این تحقیق، ایضاح رفتار و عملکرد کشورهای منطقه‌ای در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران می‌باشد که تاکنون خیلی کم درخصوص آن بررسی و تحقیق به عمل آمده است. در این راستا سوالی که مطرح می‌گردد این است که رفتار و عملکرد سیاسی- نظامی کشورهای منطقه‌ای در قبال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران چگونه بوده است؟

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

این تحقیق در شرایطی انجام شده که بیش از ۳۰ سال از زمان آتش‌بس سپری گردیده و لازم است تا نسبت به جنگ، محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی جنگ با نگاهی تازه نگریسته شود. این امر می‌تواند زمینه را برای درک عینی‌تر تهدیداتی فراهم آورد که در آینده فراروی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهند گرفت. لذا انجام تحقیق حاضر کمک خواهد کرد تا با دید وسیع‌تر روابط بین دول را بررسی نموده و و آشنایی با عملکرد کشورهای منطقه در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کمک می‌کند تا برای بروز دشمنی‌ها و صف‌بندی‌ها و تداوم و تعمیق کینه‌های دوران جنگ، علل و اسباب جدیدی را شناسایی کرده و بدین وسیله در بحران‌های مشابه کنونی و احتمالی که در آینده با آنها روبه‌رو می‌شویم، با اقدامات سنجیده خود مانع از توسعه و گسترش بی‌دلیل دامنه دشمنی‌ها و بحران‌ها گردیم. عدم اجرای این تحقیق و تحقیقات مشابه نیز باعث خواهد شد نسل حاضر و نسل‌های آینده در دشمن‌شناسی خود دچار خطا شده و ارتباط نسل‌های آینده با تاریخ خود قطع گردد.

هدف تحقیق

هدف از اجرای تحقیق حاضر، تبیین رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی کشورهای تاثیرگذار منطقه‌ای در قبال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران بوده است.

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی - توسعه‌ای و رویکرد انجام آن، ترکیبی بوده است. از آنجا که محقق در نظر داشت در این تحقیق راجع به موضوعی که در گذشته شروع شده و در گذشته خاتمه یافته است پژوهش نموده و توان دستکاری متغیرها برای بررسی نتیجه دستکاری را نداشت، لذا روش تحقیق، تاریخی و توصیفی - تحلیلی بود. در این تحقیق اتکا به اسناد زیاد بوده و محقق ابتدا با استفاده از اسناد منتشر شده معتبر داخلی و خارجی (اسناد بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به عنوان جامعه مورد مطالعه در بخش مطالعات کتابخانه‌ای) به توصیف شرایط محیط داخلی ایران، محیط منطقه‌ای و روابط دیپلماتیک کشورهای منطقه خلیج فارس با جمهوری اسلامی ایران و رژیم بعث عراق در آستانه جنگ تحمیلی پرداخته و سپس با مراجعه به خبرگان و کسانی که در زمان

جنگ در مصدر امور مرتبط بودند (جامعه آماری تحقیق در بخش مطالعات میدانی) برای تحقق اهداف تحقیق و اعتباریابی یافته‌های کتابخانه‌ای خود اقدام نموده است. لذا جامعه آماری تحقیق شامل محققان و خبرگان نیروهای مسلح و پژوهشگران و اساتید دانشگاه با حداقل ۲۵ سال سابقه خدمت، ۴۰ سال سن و مدرک تحصیلی دکتری بود. حجم جامعه آماری حدود ۲۹ نفر برآورد گردید که از این تعداد حجم جامعه خبرگان ۱۰ نفر تعیین شد که در این تحقیق با ۱۱ نفر مصاحبه به عمل آمد. همچنین به ۱۸ نفر از کارشناسان جهت تکمیل پرسشنامه مراجعه شد.

بخش مهمی از اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این تحقیق با استفاده از منابع آشکار کتابخانه‌ای و اینترنتی، اسناد و مدارک وزارت خارجه، بیانیه‌های نیروهای مسلح، رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و پروژه‌های تحقیقاتی و مطالعات میدانی موثق انجام شده توسط دیگران، گردآوری شده و سایر اطلاعات مورد نیاز با استفاده از ابزار مصاحبه با خبرگان دفاع مقدس به دست آمده است. بدین منظور جلسات متعدد مصاحبه با صاحب‌نظران در خصوص رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی کشورهای تاثیرگذار منطقه‌ای در قبال جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران برگزار و بر اساس مطالعات فوق، پرسشنامه تحقیق میان کارشناسان توزیع گردید.

مرور ادبیات

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در جنگ تحمیلی
بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷، جنگ ایران و عراق در صدر دستورکار شورای همکاری خلیج فارس قرار گرفت. این کشورها از گسترش احتمالی جنگ و ایجاد شورش‌های داخلی می‌ترسیدند. در نتیجه، مقامات شورا از هر دو طرف جنگ درخواست کردند تا با قبول آتش‌بس اختلافات خود را حل کنند؛ اما با توجه به نفوذ بسیار محدود آنها بر ایران و عراق، این درخواست به نتیجه نرسید. بزرگ‌ترین نگرانی حکام این کشورها جلوگیری از گسترش جنگ به قلمرو خود بود. جنگ، آنها را به اتخاذ سیاست دفاعی مشترک ترغیب کرد. برخلاف این آگاهی، کشورهای مزبور با دو مسئله مشکل‌ساز مواجه بودند. نخست اینکه با توجه به درک متفاوت از تهدید در این کشورها، مواضع هر کشور نسبت به ایران و عراق با مواضع شورا متفاوت بود. دوم آن که مواضع واحد شورا در طول هشت سال جنگ به تدریج تکامل یافت که نشانه فرآیند تصمیم‌گیری شورا در رویارویی با تحولات بسیار سریع بود.

در طول جنگ، عربستان و کویت سیاست‌های بسیار جنجالی با اعطای کمک‌های مالی بلاعوض به عراق اتخاذ کردند. این دو کشور به‌زعم خود، با کمک به عراق بر اساس منافع ملی خود عمل کرده و هر دو، حمایت از بغداد- و نه رژیم صدام- را انتخاب بد از بدتر می‌دانستند. (Ottaway, 1987: 22)

تمایل عربستان و کویت برای عرضه کمک‌های مالی به عراق را باید با توجه به اکراه آنها در کمک نظامی توجیه کرد. لذا از بین کشورهای عربی تنها اردن، مصر و سودان به عراق نیرو و کمک نظامی ارسال کردند و هیچ‌یک از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تسلیحات خود را در اختیار عراق قرار نداد؛ هرچند عربستان احتمالاً هزینه خرید تسلیحات از فرانسه را تقبل کرده بود. (Mannock, 1987: 2)

بررسی عملکرد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در دوران جنگ نشان می‌دهد که تمام کشورهای شورا بجز برخی موارد، روابط خود با ایران را ادامه دادند و شورا هیچ مشکلی در این زمینه ایجاد نکرد. البته، مسئله جزایر سه گانه بر روابط ایران و امارات سنگینی و از حل اختلافات موجود بین دو کشور و همکاری آنها با یکدیگر جلوگیری می‌کرد.

نقش ناسیونالیسم عربی و تلاش‌های صدام برای عربی کردن جنگ

ناسیونالیسم عربی در جنگ ایران و عراق، نیروی مؤثری برای غلبه عراق بر ایران نبود، بلکه بیشتر به عنوان نیروی ممانعت کننده از پیروزی ایران بر عراق به منزله کشوری متشکل از اکثریت قومی عرب عمل کرد و نقش آن به دلایل زیر از آنچه گفته شد، فراتر نرفت:

- تقدم اولویت‌های مربوط به منافع ملی بر منافع امت عرب نزد رهبران کشورهای عربی؛
- وجود رقابت میان عراق، سوریه، مصر و عربستان برای کسب موقعیت برتر در جهان عرب؛
- عدم اعتماد کشورهای عربی به اینکه صدام در نبرد با ایران به دنبال تحقق آرمان‌ها و ایده‌آل‌های اعراب است؛
- مسلمان بودن دو طرف متخاصم که استفاده از عنصر ناسیونالیسم عربی را محدود می‌کرد؛
- تجربیات فراموش نشده اعراب از پان‌عربیسم در دوران جمال عبدالناصر که صدمات زیادی را به منافع اعراب وارد کرده بود.

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی سوریه در جنگ تحمیلی

سوریه، در جریان جنگ عراق و ایران، در زمانی که عراق برای صدور نفت خود به خط لوله نفتی که از سوریه می‌گذشت احتیاج مبرم داشت، از ایران حمایت کرده و اقدام به قطع جریان نفت عراق از این مسیر نمود. این عمل به دلیل کاهش بخش مهمی از درآمد ارزی عراق، کمک شایانی به ایران بود. البته با این اقدام درآمدی که سوریه از این طریق کسب می‌کرد قطع شد که ایران آن را جبران نمود. علاوه براین، از جنبه تسلیحاتی نیز سوریه برخی تسلیحات عمدتاً روسی به ایران واگذار کرد که از این نظر برای ایران بسیار حائز اهمیت بود.

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی اردن در جنگ تحمیلی

رفتار اردن در جنگ تحمیلی، حمایت همه جانبه از عراق بود. در واقع اصلی‌ترین حامی عربی عراق در ابتدا اردن بود. اردن که پس از پیروزی انقلاب، روابطه حسنه‌ای با ایران نداشت، روابط بسیار نزدیکی با عراق برقرار کرده بود. پس از کنفرانس سران کشورهای عربی در بغداد و تونس، روابط عراق و اردن روز به روز نزدیک‌تر و عمیق‌تر شد تا آنجا که ملک حسین صراحتاً به نفع عراق و علیه ایران موضع‌گیری کرده و با کمک‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی فراوان از جمله اعطای وام‌های چند میلیون دلاری به عراق، حمایت و پشتیبانی‌اش را از این کشور اعلام نمود. (کیهان: ۱۲ مهر ۱۳۵۹)

علاوه بر این ملک حسین به طور متناوب با صدام دیدار می‌کرد و ضمن اعلام حمایت از وی، حامل پیام‌های آمریکا به بغداد بود. بندر عقبه این کشور در ساحل دریای سرخ برای ارسال کمک‌های تسلیحاتی غرب به عراق اختصاص یافت و سیل کمک‌ها روانه عراق شد.

(<http://old.nasimonline.ir/Service/Index/139/%>)

مواضع ایران درباره پادشاهی اردن، رنجش خاطر این کشور را به همراه داشت و به دلیل جمعیت کم شیعه در این کشور و فاصله مکانی زیاد با ایران، سیاست به شدت ضد ایرانی را دنبال و در این راستا ۴۰ هزار سرباز اردنی برای کمک به عراق اعزام نمود. (۱۳۹۱-امیرحسین ایوبی -

(<http://defamoghadas-1.blogfa.com/post/4>)

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی مصر در جنگ تحمیلی

دولت مصر تامین‌کننده نیازمندی‌های تسلیحاتی ساخت شوروی برای عراق بود و خلأ قطع ارسال قطعات و لوازم یدکی از سوی شوروی به عراق را پر کرد. (<https://fararu.com/fa/news/412347/%9%82>)

با فتح خرمشهر توسط ایران، در سوم خرداد ۱۳۶۱ صدام حسین که با خطر سقوط مواجه شده بود، آشکارا اعلام آمادگی کرد تا کمک‌های مصر را قبول کند. لذا روابط اقتصادی دو کشور، بدون برقراری روابط دیپلماتیک، به سرعت توسعه یافت؛ و به دنبال آن، به علت نیاز شدید عراق به نیروی انسانی، کارگران مهاجر از مصر راهی عراق شدند. نیاز شدید عراق به نیروی انسانی به قدری بود که اتباع مصری بدون انجام تشریفات ویزا و امورات گمرکی، می‌توانستند به عراق وارد شده و از آن خارج شوند. (همان: ۲۲)

مصر تصمیم گرفته بود دیوار انزوا را بشکند و احساس می‌کرد اگر در کنار رقیب قدیمی خود یعنی عراق قرار گیرد. ممکن است موفق شود. (Ramazani, 1986: 171)

رابطه نظامی مصر و عراق، تا به امروز جزء اسرار مانده، اما برخی کمک‌های مصر به عراق عبارتند از: (کیهان، ۲۵ مرداد ۱۳۶۶: ۶)

- ارسال اسلحه به عراق که منجر به توسعه صنایع تسلیحاتی مصر شد؛
- تبادل مستشاران نظامی و فنی، به ویژه افرادی که در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ خدمت کرده بودند؛
- به‌کارگیری داوطلبان جنگ از میان جمعیت بزرگ مصریان مقیم عراق؛
- حمایت‌های سیاسی از عراق؛
- کمک به عراق از طریق اعزام نیرو.

اتحاد مثلث مصر، اردن و عراق سعی داشت جنگ ایران و عراق را در لفافه جنگ ایران و اعراب معرفی کند تا حمایت دیگر کشورهای عرب را نیز به دست آورد. (روزنامه اطلاعات، ۳ شهریور ۱۳۶۶: ۸) این اتحاد پس از شرکت فعالانه یمن شمالی در جنگ ایران و عراق، تبدیل به اتحادی چهارگانه شد و پس از جنگ، به تشکیل شورای همکاری عرب ختم گردید. مصر علاوه بر مستشاران و متخصصین نظامی، تعداد کثیری از نیروی انسانی خود را تحت عنوان سرباز، به عراق اعزام نمود. گفته شده که حدود ۱۸ هزار سرباز مصری، طی سال ۱۳۶۵، در جبهه جنگ علیه ایران شرکت داشتند.

وقتی مصر به خرید سلاح‌های آمریکایی روی آورد، تعداد زیادی سلاح ساخت شوروی در اختیار داشت که عراق نیازمند آنها بود. منطق حاکم در آن زمان این بود که مصر سلاح‌های روسی خود را به عراق بفروشد و با پول آنها، سلاح‌های موردنیاز خود را از آمریکا خریداری کند. لذا طی سال‌های متمادی میانگین فروش سلاح‌های ساخت شوروی به عراق، سالیانه به یک میلیارد دلار رسید. محافل مصری از این وضعیت خرسند بودند؛ زیرا بدین ترتیب از سلاح‌هایی که مایل به داشتن آنها نبودند، خلاص می‌شدند. عراق نیز از این اوضاع خشنود بود؛ زیرا به تجهیزات مورد نیاز خود دست می‌یافت. (احمدی، ۱۳۷۹: ۶۵)

پس از آنکه نبرد در جبهه‌های جنگ عراق و ایران شدت گرفت، عراقی‌ها به سراغ سلاح شیمیایی رفتند. آنها می‌پنداشتند که این سلاح تنها وسیله برای توقف امواج انسانی ایران خواهد بود. بنابراین در مراحل اولیه جنگ، اقدام به خرید پیش‌سازهای لازم از ایتالیا و آلمان نمودند. سپس توجه خود را به ضرورت تولید معطوف داشته و در این زمینه نیز مصر مورد توجه قرار گرفت. با افزایش قراردادهای منعقد شده میان مصر و عراق در زمینه سلاح‌های متعارف، نقطه عطف جدیدی در زمینه تولید موشک پدید آمد و مصر، عراق و آرژانتین همکاری خود را در یک پروژه، برای تولید موشک‌های «کندر» آغاز کردند. (بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ش ۲۷: ۴۲)

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی لیبی در جنگ تحمیلی

لیبی کشور عربی دیگری بود که تسلیحات ساخت شوروی را در مهر ۱۳۵۹ از طریق خطوط هوایی به ایران منتقل کرد. معمر قذافی، رهبر این کشور بر این نکته واقف بود که آمریکا در تجاوز عراق به ایران نقش دارد. وی با ارسال تلگرافی به سایر اعضای اتحادیه کشورهای عربی اعلام داشت که: "وظیفه اسلامی حکم می‌کند در این جهاد با ملت مسلمان ایران متحد شویم، نه آن که به نیابت از آمریکا با آنها بجنگیم." (Tripoli Radio, 9 October 1980)

در این راستا روابط ایران و لیبی به دنبال برگزاری نشست وزرای خارجه سه کشور ایران، لیبی و سوریه در زمستان ۱۳۶۱ در دمشق تحکیم یافت و وزرای خارجه سوریه و لیبی در یک بیانیه مشترک، اقدام عراق را در تجاوز به ایران محکوم کرده و متعهد شدند برای مقابله با نیروهای متخاصم در کنار ایران باقی بمانند. (هیرو، ۱۳۹۰: ۲۰۵) لیبی که در ابتدای جنگ، حامی ایران بود، پس از مدتی با تغییر رویه، در جمع متحدان عراق قرار گرفت.

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی ترکیه در جنگ تحمیلی

ترکیه، همسایه غربی ایران و همسایه شمالی عراق است. لذا مواضع این کشور در جنگ تحمیلی حائز اهمیت زیادی بود؛ زیرا دو طرف درگیر در جنگ، برای اطمینان از امنیت مرزهای خود با ترکیه به برقراری روابط دوستانه با این کشور علاقمند بودند. مشکلات سیاسی و اقتصادی ترکیه نیز باعث شد این کشور برای بهبود اوضاع اقتصادی‌اش به علاقه ایران و عراق پاسخ مثبت داده و با اعلام بی‌طرفی در جنگ، ارتباط اقتصادی با دو همسایه خود را گسترش دهد. ترکیه علاوه بر اعلام بی‌طرفی، با ایفای نقش میانجی نیز با شیوه‌های مختلف، برای ترک مخاصمه و پایان جنگ پیشنهادهایی ارائه می‌داد. ولی در سال‌های پایانی جنگ، به بهانه مقابله با اکراد و جلوگیری از پیشروی بیشتر ایران در شمال عراق، وارد این کشور شد. (محمد نصر - برگرفته از درویشی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ <http://wikiwar.blogfa.com/post/91>)

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی افغانستان در جنگ تحمیلی

مردم افغانستان بعد از حمله اتحاد جماهیر شوروی سابق به این کشور، به مقاومت در مقابل ارتش شوروی برخاسته و گروه‌های مجاهد هر یک با تجهیز خود سعی کردند به اشغال کشورشان پایان دهند. چند میلیون از مردم افغانستان نیز به کشورهای ایران و پاکستان مهاجرت نموده و در این کشورها سکنی گزیدند. در این راستا مواضع مجاهدین و مردم افغانستان در قبال جنگ ایران و عراق به‌طور خلاصه چنین بود:

مجاهدین (گروه‌های) افغانی شیعه

همه گروه‌ها و مجاهدین شیعه افغانی به علت قرابت مذهبی با ایرانیان و با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران حمله شوروی به افغانستان را به شدت محکوم کرده بود، از ایران در مقابل عراق حمایت سیاسی و معنوی می‌کردند.

مردم افغانستان

مردم افغانستان به تبع ایران، خواهان تشکیل جمهوری اسلامی در کشور خود و خروج شوروی از افغانستان بودند و از این نظر، انقلاب ایران به عنوان الگویی از حکومت اسلامی برای آنها بود و امید داشتند که انقلاب پایدار بماند. بنابراین مخالف حمله عراق به ایران بودند.

مهاجران افغانی مقیم ایران

مهاجران افغانی مقیم ایران نیز همچون دیگر ایرانیان عمل کرده و حتی خود را مثل ایرانیان تلقی می نمودند که کشور عراق به سرزمینشان حمله کرده است. آنها حمله عراق را محکوم کردند و از ایران در مقابل عراق حمایت به عمل آوردند. حتی برخی از مهاجران داوطلبانه در جبهه‌های جنگ علیه عراق شرکت کرده و شهید و جانبازان و اسیر شدند که آمار آنها در بنیاد شهید جمهوری اسلامی ایران ثبت شده است.

مجاهدین سنی افغانستان

این مجاهدین برخلاف مردم افغانستان و مهاجرین افغانی مقیم ایران و مجاهدین شیعه افغان، موضع شفافی درباره جنگ ایران و عراق نداشتند. آنها حاضر نشدند در مقابل عراق موضع مخالف گرفته و از ایران پشتیبانی نمایند، ولی به دلایل زیر، خواست قلبی‌شان پیروزی ایران در جنگ بود:

- چون جمهوری اسلامی ایران حمله شوروی به افغانستان را به شدت محکوم کرد و به دنبال نهادینه کردن احکام اسلامی (هر چند که اسلام شیعی صددرصد مورد قبول آنها نبود) بود؛ اما عراق برخلاف ایران، با شوروی پیمان دوستی داشت و تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان را محکوم نکرده بود.

- مجاهدین افغانی به این علت که از طرف عربستان پشتیبانی مالی می شدند و عربستان خود یکی از حامیان اصلی عراق در جنگ علیه ایران بود، نمی توانستند به صورت علنی از ایران در مقابل عراق حمایت نمایند. زیرا هر حرکتی در این باره موجب قطع کمک مالی عربستان و آمریکا به این گروه‌ها می شد. لذا آنها موضع شفافی در این مسئله نداشتند و هر چند که خواهان موفقیت ایران بودند، ولی نمی توانستند از ایران حمایت آشکار به عمل آورند. (نصر - <http://wikiwar.blogfa.com/post/91>)

رفتار و عملکرد سیاسی - نظامی پاکستان در جنگ تحمیلی

با توجه به هم‌مرز بودن پاکستان با ایران و روابط نزدیکی که تهران و اسلام آباد داشتند؛ پاکستان در جنگ تحمیلی، سیاست پیچیده‌ای را درپیش گرفت. این کشور در ابتدا تلاش نمود با میانجی‌گری، به جنگ خاتمه دهد اما پس از ناامید شدن، اعلام نمود که بی طرف بوده و هر زمان که طرفین آمادگی داشته باشند برای میانجی‌گری اقدام خواهد نمود. (کشیشیان، جوزف ای، شورای



شکل ۱ کشورهای حامی رژیم بعث عراق در هشت سال جنگ تحمیلی

الگوی رفتاری کشورهای منطقه در دوران جنگ تحمیلی

بروز جنگ بین دو کشور همسایه، خواه‌ناخواه فرصت‌ها و تهدیداتی را متوجه کشورهای ثالث می‌کند. اصلی‌ترین الگویی که کشورها در این مواقع از آن پیروی می‌کنند #الگوی تأمین حداکثری منافع ملی خود است. منافع کشورها گاه در اعلام و حفظ بی‌طرفی و گاه در جانبداری از یکی از طرفین درگیر در جنگ تأمین می‌گردد. جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق با ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. لذا کشورهای همسایه ایران و عراق و نیز کشورهای منطقه و فرامنطقه، فراخور منفعی که داشتند در قبال این جنگ موضع‌گیری کردند. این موضع‌گیری‌ها گاه مواضع ظاهراً بی‌طرفانه و گاه جانبداری از یکی از طرفین بود.

حامیان ثابت قدم عراق

اردن

در میان کشورهای عربی، تنها اردن در گروه حامیان ثابت قدم عراق قرار گرفت. این کشور نخستین و تنها کشور عربی بود که با آغاز جنگ، به طور رسمی، حمایت خود را از عراق اعلام کرد. این کشور همچنین در جریان جنگ و هنگامی که اتحاد جماهیر شوروی موضع بی‌طرفی اتخاذ و عراق را تحریم نمود، محموله‌های تسلیحاتی را از شوروی خریداری کرده و آنها را در اختیار عراق قرار داد. هنگامی که بنادر عراق در خلیج فارس در اثر شرایط جنگی از کار افتادند نیز

بندر عقبه اردن در دریای سرخ به مهم‌ترین بندر واردات و صادرات کالاهای عراقی تبدیل شد. اردن همچنین، در طول جنگ، میانجی‌گری‌هایی را میان عراق و سوریه انجام داد تا شاید سوریه را قانع کند که از حمایت از ایران دست بردارد؛ اقدامی که در نهایت بی‌نتیجه ماند.

جدول ۱- الگوی رفتاری اردن طی سال‌های مختلف جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	اردن
حمایت کامل سیاسی و نظامی از عراق									

حامیان به ظاهر بی‌طرف

الف- کشورهای عربی

گروه دوم شامل آن دسته از کشورهای عربی بود که ضمن اعلام بی‌طرفی، در عمل از عراق حمایت نموده و هنگامی که احساس کردند عراق برای ایستادگی در برابر رزمندگان ایران به کمک نیاز دارد، حاضر بودند این کشور را یاری دهند. از جمله این کشورها می‌توان به قطر، عمان، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عربستان و مصر اشاره نمود؛ کشورهایی که هیچ بیانیه رسمی در حمایت از عراق یا محکومیت ایران صادر نکردند، اما به حمایت غیررسمی و کمک به بغداد پرداختند.

نکته در خور توجه درباره رفتار و عملکرد این کشورها، این است که هر چند آنها از عراق پشتیبانی کردند، اما به هیچ‌وجه مایل نبودند این پشتیبانی تا آنجا گسترش یابد که سرانجام، به پیروزی این کشور منجر شود. درواقع، آنها مراقب بودند تا کمک‌هایشان از میزانی که برای ایستادگی عراق در برابر ایران لازم بود، فراتر نرود. اتخاذ چنین موضعی از سوی کشورهای مزبور بر پایه مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی، اقتصادی و امنیتی صورت گرفت.

برای مصر، جنگ ایران و عراق هم یک فرصت محسوب می‌شد و هم یک تهدید. فرصت از این نظر که به قاهره امکان می‌داد تا با حمایت از عراق، هم منافع اقتصادی فراوان کسب کند و هم مجدداً به آغوش اتحادیه عرب بازگشته و جایگاه از دست رفته‌اش را در آن باز یابد.

منافع اقتصادی که مصر در حمایت از عراق به آنها توجه داشت را می‌توان در دو مورد خلاصه کرد:

- کسب منفعت از ناحیه فروش مهمات و قطعات یدکی سیستم‌های تسلیحاتی؛
- تسهیلاتی که عراق می‌توانست برای خیل عظیم کارگران مصری فعال در این کشور (بین ۱ تا ۱,۵ میلیون نفر) فراهم کند تا آنها بتوانند پس‌اندازهایشان را به کشورشان انتقال دهند. (باید

یادآور شد که وجوه ارسالی از سوی این کارگران به تنهایی حدود ۲۰ درصد از کسری تجاری مصر را تأمین می‌کرد.

منافع سیاسی که مصریان بدان توجه داشتند، این بود که حمایت آنها از عراق، به ویژه از سال ۱۳۶۱ به این طرف که شدیداً به حمایت‌های این کشور نیاز داشت، می‌توانست راه بازگشت به اتحادیه عرب را هموار کند، بدون آنکه مجبور باشد از قرارداد کمپ دیوید و پیمان صلح با رژیم صهیونیستی صرف نظر نماید. نکته مهم آنکه صدام یعنی همان کسی که بانی کسب چنین منفعتی برای مصر شد، تنها چند سال پیش از آن، بانی اخراج مصر از اتحادیه عرب شده بود. از بعد امنیتی نیز حمایت از عراق برای حکومت مصر که با مشکل خیزش اصول‌گرایان اسلامی رویه‌رو بود، منفعت داشت؛ زیرا این حمایت توان ایستادگی عراق را در برابر ایران انقلابی و سرشار از شور و شوق ایدئولوژیک و پشتیبان جنبش‌های اسلامی افزایش می‌داد و باعث می‌شد تا ایران امکانات و منابعش را بیش‌تر برای دفاع از خود صرف کند تا حمایت از جنبش‌ها و خیزش گروه‌های اسلام‌گرا در دیگر کشورها.

جنگ ایران و عراق برای مصر تهدیدهایی را نیز به همراه داشت. این تهدید با سرنوشت جنگ در ارتباط بود. رهبران مصر پایان جنگ را با پیروزی یکی از دو طرف تهدیدی جدی برای خود می‌دانستند؛ زیرا در این صورت، طرف پیروز به طور خودکار به منزله یک قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی منطقه‌ای ظاهر می‌شد؛ رویدادی که می‌توانست نقش مصر را در منطقه به خطر اندازد.

برای شیخ‌نشین‌های عرب حوزه خلیج فارس نیز که موضعی مشابه موضع مصر در قبال جنگ داشتند، جنگ بیش از آنکه فرصت باشد، تهدید به شمار می‌رفت. آنان جنگ را تهدیدی جدی برای امنیت و منافعشان می‌دانستند. چنین دیدگاهی نسبت به جنگ از ملاحظات زیر نشأت می‌گرفت:

- نزدیکی جغرافیایی شیخ‌نشین‌ها به جبهه‌های جنگ و ترس از گسترش دامنه آن به کشورهایشان؛
- بی‌اعتمادی نسبت به اهداف و مقاصد هر دو طرف جنگ؛
- ضعف کمی و کیفی نیروی نظامی‌شان نسبت به نیروهای نظامی ایران و عراق؛
- ترس از اینکه سرنوشت جنگ، پیروزی یکی از دو طرف درگیر در آن باشد.

ملاحظات مزبور سبب شد تا شیخ‌نشین‌ها برای دفع تهدیدات ناشی از جنگ، رفتار زیر را در پیش گیرند:

- تلاش برای میانجی‌گری میان ایران و عراق و متقاعد کردن طرفین به پذیرش آتش‌بس؛
- تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ بدون مشارکت ایران و عراق در آن؛
- تلاش برای برقراری روابط متوازن با هر دو طرف متخاصم؛
- تلاش برای جلوگیری از مغلوب شدن عراق در برابر ایران از طریق حمایت غیررسمی از این کشور و حمایت مستقیم در مواقعی که بیش‌تر احساس خطر می‌کردند.

جدول ۲- الگوی رفتاری کشورهای عربی در جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	عربستان، کویت، قطر، عمان، امارات، بحرین
بی‌طرفی ظاهری در سیاست‌های اعلامی و کمک‌های اقتصادی، انسانی و نظامی در سیاست‌های اعمالی									

جدول ۳- الگوی رفتاری مصر در جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	
بی‌طرفی / حمایت اندک از عراق			افزایش حمایت‌های نظامی و سیاسی از عراق				بی‌طرفی		مصر

ب- کشورهای همسایه غیرعرب ایران

پاکستان

عملکرد پاکستان در قبال جنگ عراق علیه ایران را می‌توان در سه مقطع جداگانه مورد تحلیل

قرار داد:

الف) میانجی‌گری برای پایان دادن به جنگ

جنگ ایران و عراق اتفاق خوشایندی برای حکومت پاکستان نبود. از آغازین روزهای جنگ، دولت پاکستان در مورد این جنگ موضع بی‌طرفی اتخاذ کرد؛ هرچند که دولتمردان این کشور در محافل خصوصی و در دیدارهایی که با مقامات جمهوری اسلامی داشتند، به نوعی بر متجاوز بودن رژیم عراق در جنگ اذعان می‌کردند. در این مرحله، حکومت وقت پاکستان تلاش زایدالوصفی برای میانجی‌گری جهت پایان دادن به جنگ بین دو کشور اسلامی انجام داد و از تمام توان دیپلماتیک خود برای حل بحران بهره گرفت. اما این تلاش‌ها هیچ نتیجه‌ای در بر نداشت.

ب) سکوت در برابر تحولات جنگ

با وجود تداوم جنگ عراق و ایران، پاکستان همچنان سعی در حفظ روابط خود با ایران داشت. در سال ۱۳۶۱ یک هیئت اقتصادی ایران به پاکستان سفر کرد و درباره خرید برخی کالاهای مورد نیاز از پاکستان، ترانزیت کالا از هند با استفاده از راه‌آهن پاکستان و اتصال راه‌آهن ایران به پاکستان با مقامات آن کشور مذاکره نمود. از این به بعد روابط دو کشور سیر صعودی طی نمود و با سفر دکتر ولایتی وزیر امور خارجه به پاکستان و پس از آن سفر غلام اسحاق خان وزیر دارایی پاکستان به ایران، مناسبات دو کشور به بالاترین سطح خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی رسید. (وزارت بازرگانی، ۱۳۶۴: ۱۴۰)

ج) تلاش برای پایان دادن به جنگ

سال‌های پایانی جنگ، مقطع حساسی برای امنیت کشورهای منطقه خلیج فارس بود. در این شرایط، آمریکا و کشورهای عرب منطقه به ویژه عربستان سعودی، پاکستان را تحت فشار قرار دادند تا با قطع روابطش با ایران، به حمایت از عراق بپردازد. با وجود اینکه پیوستن به جناح کشورهای مخالف با ایران ممکن بود امتیازات فراوانی را برای پاکستان به ارمغان داشته باشد اما دولتمردان پاکستان به اهمیت استراتژیک روابطشان با ایران واقف بودند. پاکستان با توجه به تجربه تلخی که در جریان جنگ با هند در زمینه برخورداری از حمایت‌های آمریکا داشت، در این شرایط نیز به وعده‌هایی که از سوی این کشور داده می‌شد خوشبین نبود. از سوی دیگر برخلاف کشورهای چو عربستان و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، پاکستان دارای مرزهای زمینی طولانی با ایران بود و اگر روابطش با ایران دچار چالش می‌شد با توجه به نفوذی که ایران در میان گروه‌های شیعی این کشور داشت ممکن بود بحران داخلی گریبان آن را بگیرد. به جز شیعیان، گرایش کل جامعه پاکستان نیز شدیداً ضد آمریکایی بود و ممکن بود در صورت همکاری پاکستان با آمریکا، اعتراضات مردمی بالا گیرد. لذا نخست وزیر پاکستان طی مصاحبه‌ای ضمن تأکید بر بی‌طرفی کشورش در جنگ اعلام کرد پاکستان به هیچ‌وجه در جنگ خلیج فارس دخالت نخواهد نمود. در این شرایط، علیرغم فشارهای موجود، دولت پاکستان تصمیم به حفظ و گسترش روابطش با ایران گرفت. مهم‌ترین اقدام در این زمینه، موافقت پاکستان با استفاده ایران از بندر کراچی و قاسم برای وارد نمودن کالاهای مورد نیازش بود. براساس موافقتنامه‌ای که در این زمینه منعقد شد، مقرر گردید جمهوری اسلامی ایران سالانه دو میلیون تن کالا از طریق این دو بندر وارد

کند. همچنین دو کشور توافق کردند یک سرویس قطار بین کویت و تهران برقرار شود و مذاکراتی برای تأسیس شرکت کشتیرانی مشترک بین ایران و پاکستان صورت گرفت.

البته بخشی از دلایل گسترش دامنه همکاری‌های پاکستان با جمهوری اسلامی نیز به تیرگی روابط این کشور با ایالات متحده، به دلیل قاچاق مواد ویژه از آمریکا به پاکستان به منظور تولید سلاح هسته‌ای مربوط می‌شد.

با تصویب قطعنامه ۵۹۸، دولت پاکستان تلاش کرد جمهوری اسلامی ایران را برای پذیرش این قطعنامه تشویق کند. (موسوی، ۱۳۸۹، www.negineiran.ir/article.html)

جدول ۴- الگوی رفتاری پاکستان در جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	
میانجی‌گری برای خاتمه جنگ		سکوت در برابر تحولات جنگ				تلاش برای خاتمه جنگ		پاکستان	

ترکیه

الگوی رفتاری ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق، بی‌طرفی مثبت بود که پیروی از این سیاست ناشی از الزامات اقتصادی ترکیه، نگرانی از گسترش جنگ، فشار غرب بر ترکیه، کسب پرستیژ و اعتبار بین‌المللی بود که ترکیه تا اواخر جنگ همچنان از آنها تبعیت می‌نمود. اما در سال‌های پایانی جنگ، موضع ترکیه از بی‌طرفی به مداخله محدود در جنگ تغییر یافت. علت این امر را می‌توان در بحرانی دانست که ترکیه سال‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کرد. زیرا ناسیونالیسم کردی در جریان جنگ ایران و عراق تقویت شد و با اینکه ایران در رابطه با اکراد به ترکیه اطمینان داد؛ اما این امر مانع از هراس ترکیه نشد؛ لذا با پیشروی ایران در شمال عراق، شورای امنیت ملی ترکیه در ۱۹ استان کردنشین خود، حالت فوق‌العاده اعلام کرد. لذا به دو دلیل مهم به سمت بغداد گرایش داشت: دلیل نخست آنکه ترکیه طی سال‌های متمادی، همکاری فعالانه‌ای در عملیات‌های ضد شورش علیه گُردهای متمرّد ترکیه-همجوار با گُردهای مسلح عراق - با بغداد داشت. دلیل دوم آن که، ترکیه از سال ۱۹۲۴ به عنوان کشوری سکولار وجوه اشتراک بسیاری با حکومت بعث عراق داشت و همچون بغداد از وجود بنیادگرایی اسلامی در مرزهای خود بیمناک بود.



شکل ۲ الگوی رفتاری ترکیه در قبال جنگ ایران و عراق

ادعاهای ارضی ترکیه نسبت به شمال عراق و ترس از تصرف این مناطق توسط ایران، عاملی بود که ترکیه را به اقدام نظامی در شمال عراق وادار نمود. ترکیه نسبت به مناطق موصل و کرکوک که توسط انگلیس پس از جنگ جهانی اول از ترکیه جدا شدند ادعای ارضی داشت و جنگ را فرصتی می‌دانست که در صورت به هم خوردن توازن قوا در منطقه، با استفاده از این فرصت، این مناطق را تصرف کند. تحریم‌های آمریکا و ناتو نیز عامل دیگری برای مداخله نظامی ترکیه بود. منافع غرب در مناطق نفتی باعث می‌شد آنها به دنبال حفظ این نواحی از تبعات جنگ باشند. بنابراین ترکیه با حمایت غرب وارد این منطقه شد. (فرج زاده، ۱۳۸۹ - [www. negineiran. ir/article.html](http://www.negineiran.ir/article.html))

با توجه به نیاز شدید ترکیه به منابع مالی، اتخاذ خط‌مشی بی‌طرفانه به آن کشور فرصت داد تا بتواند از طریق صادرات کالا به ایران و عراق درآمد ارزی قابل توجهی نصیب خود سازد. بنابراین تداوم گسترش همکاری میان ترکیه و هر دو طرف درگیر در جنگ برای ترکیه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود. مجله میدل‌ایست ضمن مقاله‌ای در سال ۱۹۸۴ در این باره نوشت: "بی‌طرفی ترکیه در جنگ ایران و عراق پاداش اقتصادی عظیمی برای آن کشور به ارمغان آورده است." لذا عدم مداخله در جنگ و تداوم همکاری با طرفین درگیر، منافع بسیاری برای ترکیه داشت و ترکیه در مقابل هر حرکتی که ممکن بود سیاست بی‌طرفانه‌اش را نسبت به ایران و عراق مختل سازد، واکنش نشان می‌داد.

جدول ۵ - الگوی رفتاری ترکیه در جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	ترکیه
بی‌طرفی							مداخله محدود		

افغانستان

همه گروه‌ها و مجاهدین شیعه به طور کامل از ایران‌دس در مقابل عراق حمایت و پشتیبانی نمودند. افکار عمومی افغانستان نیز ضمن حمایت از ایران، خواهان حفظ جمهوری اسلامی و جلوگیری از تضعیف آن به وسیله جنگ بود. مهاجران افغانی مقیم ایران نیز حمله عراق را محکوم کرده و از ایران در مقابل عراق حمایت به عمل آوردند اما مجاهدین اهل سنت موضع شفافی درباره جنگ اتخاذ نکرده و حاضر نشدند در مقابل عراق موضع مخالف گرفته و از ایران پشتیبانی نمایند. در مجموع افغانستان با توجه به محدودیت‌های ناشی از جنگ با شوروی تأثیرگذاری چندانی بر جنگ نداشت و عملاً موضع بی‌طرفانه اتخاذ نمود.

جدول ۶- الگوی رفتاری افغانستان در جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷		
حمایت کامل از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس									افغانستان	مجاهدین شیعه
حمایت از جمهوری اسلامی										عموم مردم
محکوم نمودن حمله عراق به ایران و شرکت در جبهه‌های جنگ در کنار رزمندگان ایرانی										مهاجران افغانی
پشتیبانی از ایران بدون محکوم نمودن عراق (عدم موضع‌گیری شفاف)										مجاهدین اهل سنت

حامیان ایران

سوریه

همان‌گونه که عراق در پی عربی کردن جنگ بود، ایران نیز می‌کوشید تا با به دست آوردن حامیانی در میان کشورهای عرب، اقدام عراق را خنثی کند. کسب حمایت سوریه و لیبی را می‌توان از جمله موفقیت‌های ایران در این زمینه دانست. حکومت سوریه سه روز پس از آغاز جنگ میان ایران و عراق، بغداد را به خاطر تجاوز به یک کشور دوست محکوم و اقدام صدام را خیانت بزرگی نسبت به امت عرب دانست و مدعی شد که صدام با ایالات متحده و رژیم صهیونیستی در این باره همکاری کرده است؛ زیرا کشوری اسلامی و ضدصهیونیسم را هدف تهاجم قرار داده و با این کار قصد دارد کشورهای عرب را از عمق استراتژیک مورد نیاز در

رویارویی با رژیم صهیونیستی محروم کند.

صرف نظر از حمایت‌های لفظی، این کشور کمک‌های مختلفی را نیز در طول جنگ به ایران ارائه داد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- مسدود کردن خط لوله عراق که نفت را از طریق خاک سوریه به سواحل دریای مدیترانه منتقل می‌کرد (پیش از آن، تقریباً نیمی از صادرات نفت عراق از طریق این خط لوله صورت می‌گرفت)؛
- تدارک و تهیه مهمات و تسلیحات جنگی برای ایران؛
- صف‌بندی سربازانش در مرزهای مشترک با عراق؛ اقدامی که رژیم بغداد را به درگیری هم‌زمان در دو جبهه تهدید می‌کرد و باعث شد تا صدام برای مقابله با تهاجم احتمالی نیروهای سوریه، بخشی از نیروهایش را در مرز مشترک با سوریه متمرکز کند.



شکل ۳ حمایت‌های سوریه از ایران در دوران جنگ تحمیلی

این کشور در اردیبهشت ۱۳۶۱ در انهدام بسیاری از هواپیماهای عراقی در پایگاه هوایی ولید در نزدیکی مرز خود، با ایران همکاری کرد. ایران شش ماه بعد از این تاریخ، قرارداد معامله تسلیحاتی با سوریه منعقد کرد که عقد این قرارداد سرآغازی بر روابط اقتصادی بلندمدت، میان دو کشور بود. (هیرو، ۱۳۹۰: ۱۴۶)

در مقایسه با حمایت بیش از حد شاه حسین از بغداد، حافظ اسد رئیس جمهور سوریه حمایت سنجیده و در عین حال مؤثری از ایران به عمل آورد.

البته دولت سوریه بعد از دوستی با ایران، به منافع سیاسی و دیپلماتیک زیادی دست یافت. با توجه به این که عراق درگیر نبردی خونین با ایران بود، جبهه شرقی سوریه در وضعیت آرامی قرار

گرفت؛ چرا که صدام از ایجاد بی‌ثباتی در حکومت سوریه ناتوان بود. به این ترتیب، رئیس‌جمهور سوریه موفق به تمرکز فعالیت‌های خود برای حل بحران لبنان که بعد از تجاوز به این کشور و اشغال آن از سوی رژیم صهیونیستی در سال ۱۳۶۱ به وجود آمده بود، شد. در مقابل، ایران به عنوان قدردانی از مواضع سوریه در جنگ خود با عراق، توافق نمود نفت را به صورت نقدی و پایاپای در اختیار سوریه قرار داده و برای کمک به مبارزات این کشور در برابر رژیم صهیونیستی نیز یک میلیون تن نفت بلاعوض به سوریه بدهد. (هیرو، ۱۳۹۰: ۱۴۵)



شکل ۴ اهداف سوریه از حمایت از ایران در جنگ تحمیلی

به نظر می‌رسد که سه عامل اساسی در گرایش سوریه به ایران نقش داشته است. نخستین عامل، وجود اختلافات و رقابت شدید میان حکومت‌های بعثی عراق و سوریه و دومین عامل، نزدیکی مواضع ایران و سوریه در قبال رژیم صهیونیستی و آمریکا و سومین عامل، کسب منافع اقتصادی فراوان از کشور نفت خیز ایران بود که به شدت، به متحدی مانند سوریه نیاز داشت.

جدول ۷- الگوی رفتاری سوریه در جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	سوریه
حمایت از ایران و کمک تسلیحاتی و اطلاعاتی									

لیبی

رژیم قذافی نیز همچون رژیم اسد در طول جنگ از ایران جانبداری کرد. البته، موضع لیبی در چند روز نخست جنگ روشن نبود. قذافی در آغاز جنگ با ارسال پیامی به سران کشورهای اسلامی از آنان خواست تا برای پایان دادن به خصومت میان عراق و ایران تلاش کنند. اما در ۱۸

مهر، در تلگرامی به ملک خالد پادشاه وقت سعودی از وی خواست تا دیگر کشورهای عرب را برای حمایت از ملت مسلمان ایران قانع کند. پس از این تلگرام، روابط عراق و لیبی قطع شد و در عوض، روابط میان ایران و لیبی هر چه بیشتر توسعه یافت؛ به طوری که در ۲۸ مهر ۱۳۵۹، محمدعلی رجایی، نخست وزیر وقت ایران و پس از وی، هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، به لیبی سفر کردند. در تابستان ۱۳۶۰، مطبوعات بین‌المللی فاش نمودند که لیبی مقادیر زیادی سلاح در اختیار ایران قرار داده است.

دوستی میان معمر قذافی و رهبران جمهوری اسلامی به دوران پیش از پیروزی انقلاب بازمی‌گشت؛ دورانی که در آن، قذافی به گروه‌های انقلابی مخالف شاه کمک‌های مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی ارائه می‌داد. به نظر می‌رسد که وجود همین زمینه مناسب به اضافه نزدیکی مواضع رهبران جمهوری اسلامی و معمر قذافی درباره غرب، به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز رقابت و اختلافاتی که میان رهبری عراق و لیبی وجود داشت، نقش مهمی در جانبداری لیبی از ایران در طول جنگ ایفا کرد. با این وجود در سال‌های پایانی جنگ، لیبی از مواضع اولیه خود عدول نموده و مواضع جدیدی به نفع عراق اتخاذ نمود.

جدول ۸- الگوی رفتاری لیبی در جنگ تحمیلی

۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵	۱۳۶۶	۱۳۶۷	لیبی
حمایت از ایران					تغییر رفتار به سمت حمایت از عراق				

تجزیه تحلیل داده ها و یافته های تحقیق

تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های انجام شده

براساس دیدگاه خبرگان، درخصوص رفتار و علت حمایت کشورهای منطقه از عراق باید به

چند نکته توجه نمود:

- اول جهت‌گیری کشورها یا درواقع بلوک‌بندی قدرت در منطقه که هر کشور در کدام بلوک قرار می‌گرفت و چه جایگاهی برای خود قائل بود. یکسری کشورهای سستی پادشاهی در حاشیه جنوبی خلیج فارس بودند که به شدت نگران ایران بودند و در عین حال نگران عراق هم بودند. ویژگی اصلی این کشورها کوچک و کم جمعیت بودن اما ثروتمند بودن آنها بود. هم‌جواری این کشورها با ایران و عراق آنها را آسیب‌پذیر کرده بود.

- دوم سیاست خارجی ایران و عراق بود که هر کدام در دوره‌های مختلف، متفاوت بودند و اینکه این سیاست‌ها چقدر موجب احساس تهدید یا آرامش و هم‌پیوندی این کشورها می‌شد.
 - سوم، وضعیت میدان جنگ و تحولات میدانی جبهه‌ها بود. یعنی تحولات میدان جنگ روی سیاست آنها تاثیر می‌گذاشت.
 - چهارم سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ آن زمان یعنی آمریکا و شوروی بود که در قبال خاورمیانه و جنگ تحمیلی اتخاذ کرده بودند.
- این چهار نکته به ما در درک تحولات سیاست و رفتارهای حمایتی کشورهای منطقه از عراق در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی کمک می‌کنند. با این نگاه می‌توان رفتار کشورهای منطقه را به سه دسته تقسیم نمود.
- الف- کشورهایی که به طور مشخص و آشکار از ایران حمایت کردند. مثل سوریه که با قطع خطوط لوله نفت عراق، ضربه سختی به عراق وارد نمود و لیبی که موشک‌های اسکاد در اختیار ایران قرار داد و ایران با آنها بانک رافدین را زد و خود آن موشک‌ها زیربنای صنعت موشکی ایران شدند.
 - ب- کشورهایی که به طور علنی و آشکارا از عراق حمایت کردند.
 - ج- کشورهای تاحدود زیادی بی‌طرف.
- رفتار این کشورها متأثر از مولفه‌های چهارگانه گفته شده بوده و در طول ۸ سال جنگ در نوسان بود.
- زمانی که امکان انتقال نفت عراق از خلیج فارس کاملاً از بین رفت، عراق درآمد خود را از دست داد و متکی به خط لوله‌ای شد که ظرفیت محدود داشته و از ترکیه عبور می‌کرد. عراق تلاش زیادی به عمل آورد تا خط لوله‌ای که از سوریه عبور می‌کرد را بازگشایی کند و وقتی موفق نشد، خطوط لوله دیگری را در دستورکار قرار داد و تصمیم گرفت به موازات خط قبلی از ترکیه، یک خط لوله جدید احداث کند. اردن و عربستان هم مورد توجه قرار گرفتند که اینها خود، نشان از اهمیت بسته شدن خط لوله عبوری از سوریه و ضربه سختی که بسته شدن این خط به عراق وارد آورد، دارند.
- در مورد لیبی هم مطالعه خاطرات آقای رفیق‌دوست نشان می‌دهد که ایران ابتدا از سوریه تقاضای موشک کرد؛ اما سوریه موشک در اختیار ایران قرار نداد و بعد به لیبی روی آورد و قذافی حدود ۳۰ فروند موشک در اختیار قرار داد که اولین آنها به بانک رافدین اصابت کرد.

در مقابل این دو کشور که به صورت ملموس از ایران حمایت می‌کردند، با طیف وسیعی از حامیان عراق مواجه هستیم که از کویت و بحرین و عربستان گرفته تا سودان و یمن و اردن و مصر و سازمان آزادی‌بخش فلسطین همه و همه به صورت مستقیم از عراق حمایت کردند.

گروه سوم کشورهای نسبتاً بی‌طرف بودند که به طور رسمی اعلام بی‌طرفی کرده و در عمل هم تلاش می‌کردند روابط خود را با هر دو کشور ایران و عراق حفظ کنند. گرچه مواضع این گروه هم در طول جنگ یکسان نبود.

از کشورهای این گروه می‌توان به پاکستان، ترکیه و الجزایر اشاره نمود که تا پایان جنگ هم تا حدودی بی‌طرفی خود را حفظ کردند. اما در طول جنگ، سیاست آنها دچار نوسان و تغییر می‌شد که می‌توان این تغییر رفتار را در شدت حمایتشان یا تغییر وضعیت از حمایت به بی‌طرفی یا شیفت حمایت از یکی به دیگری مشاهده نمود.

در ابتدای جنگ، اغلب کشورها سعی کردند اصل بی‌طرفی را رعایت کنند؛ لذا در آغاز جنگ، عموماً بی‌طرف و خواستار خاتمه جنگ و خون‌ریزی که یک سیاست عمومی جهانی است، بودند. آنها می‌خواستند ببینند نتیجه جنگ چه خواهد شد و در قالب سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی برای خاتمه جنگ تلاش می‌کردند تا به جنگ خاتمه دهند.

حامیان عراق در ابتدای جنگ در موقعیت برتر قرار گرفته و دست بالا را داشتند. کشورهای بی‌طرف یا طرفدار عراق خواستار پایان جنگ بودند؛ مثل کویت و عربستان. اما از سال ۱۳۶۳ که کنفرانس اسلامی در یمن برگزار شد آشکارا تغییر موضع دادند.

هر چه ابتکار عمل ایران در جبهه‌ها بیشتر شده و موفق‌تر عمل می‌کرد، به‌خصوص بعد از چهار عملیات بزرگ که موجب پیروزی ایران شدند، حامیان عراق احساس کردند جنگ به نفع ایران پیش می‌رود و تمایل خود را برای مداخله بیشتر به منظور پایان دادن به جنگ نشان دادند. به همین دلیل اتحادیه عرب وارد عرصه شد و کمیته‌هایی تشکیل داد تا با فشار به کشورهای مختلف، ایران را وادار به پذیرش صلح کنند. این کمیته‌ها در سفرهای دوره‌ای به کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آفریقایی، با رهبران این کشورها وارد گفتگو شده و از آنها می‌خواستند که به ایران فشار آورند تا جنگ را تمام کند. به طور مثال می‌توان به ژاپن اشاره نمود که از سوی این کمیته‌ها تحت فشار بود تا خرید نفت خود از ایران را قطع کند.

کمک این کشورها به عراق از کمک اقتصادی شروع شد تا به کمک نظامی رسید. در آغاز جنگ شاهد کمک غیرمستقیم بودیم؛ اما به تدریج با پیروزی‌های ایران در جبهه‌ها و احساس تهدید کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، کمک‌ها نیز سیر صعودی به خود گرفت؛ به طوری که در پایان جنگ بر اساس برخی اظهارات، حجم این کمک‌ها به بیش از ۳۰ میلیارد دلار رسید که در قالب وام‌های بلاعوض و بلندمدت در اختیار عراق قرار گرفته بود.

کمک‌های اطلاعاتی هدایای دیگری بود که به عراق داده می‌شد تا شکست نخورد و انقلاب ایران صادر نشود؛ زیرا از انقلاب ترس داشتند. ترس از صدور انقلاب و جهانی شدن آن بود.

یکی دیگر از ابعاد حمایت کشورهای منطقه از عراق، محکوم نکردن عراق در مجامع بین‌المللی و عدم صدور قطعنامه الزام‌آور علیه عراق بود. باید یادآور شد که در هشت سال دفاع مقدس، حدود ۱۰ قطعنامه غیرالزام‌آور تصویب شد در حالی که در چهار ماه اشغال کویت، ۱۲ قطعنامه الزام‌آور به تصویب رسید. در مورد کمک کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس می‌توان به فراهم آوردن ظرفیت انتقال تجهیزات و سلاح از سرزمین‌های خود نظیر قرار دادن بندر عقبه اردن و بندر الاحمدی کویت اشاره نمود که از آن طریق سلاح‌ها و تجهیزات مورد نیاز عراق را به این کشور منتقل می‌کردند. این کشورها به لحاظ لجستیکی کمک زیادی به عراق کرده و خریدهای تسلیحاتی عراق را از این بنادر تخلیه می‌کردند.

نوع دیگر حمایت‌ها در قالب اعزام نیروی انسانی بود. برخی کشورها نظیر مصر، اردن، سازمان آزادی‌بخش فلسطین و سودان، بیش‌ترین کمک را در این زمینه به عراق کردند؛ که از ترکیب اسرا می‌توان به این موضوع پی برد. مصر به دلیل جمعیت نسبتاً زیاد و فقر مردم، تعداد زیادی مزدور به جبهه‌ها گسیل نمود و اصولاً هر زمان که عراق با کمبود نیرو مواجه می‌شد از اتباع دیگر کشورها استفاده می‌کرد. این نیروها یا خود مستقیماً در جبهه می‌جنگیدند یا در پشت جبهه حضور یافته و با رهاسازی اتباع عراقی از امور روزمره خود، امکان گسیل آنها به جبهه‌ها را فراهم می‌آوردند.

در مقطع آغاز جنگ و تثبیت جنگ، شکل کمک‌ها و حمایت‌ها ابتدا اقتصادی و سپس نظامی بود؛ اما در سال‌های پایانی، این کشورها به طور غیرمستقیم خود درگیر جنگ ایران و عراق شدند.

از سال ۶۳ به بعد و با شروع جنگ نفتکش‌ها و افزایش حملات عراق به کشتی‌ها در خلیج فارس، مرحله جدیدی از جنگ شروع شد. عراق به دلیل دریافت هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک‌های ضدکشتی آگزوست، جنگ را در خلیج فارس گسترش داد و به صراحت اعلام کرد که

هیچ کشتی حق ندارد وارد آب‌های ایران شود. در پاسخ به این سیاست، ایران حمله به حامیان عراق را در پیش گرفت و عملاً به کشتی‌هایی که به مقصد یا از مبدأ عربستان یا کویت در حرکت بودند، حمله نمود. این حملات باعث افزایش نگرانی کشورها از گسترش جنگ در منطقه شد.

بعد از عملیات والفجر ۸ و تصرف شبه جزیره فاو توسط ایران، ایران همسایه کویت شد و احساس ترس از ایران در کشورهای منطقه فزونی گرفت. عراق هم به کویت فشار می‌آورد که جزیره بوبیان را در اختیارش قرار دهد تا بتواند از آن طریق با ایران مقابله کند. لذا کویت از هر دو سوی ایران و عراق در فشار بود و به منظور دفاع از خود تأسیساتی را در این جزیره احداث نمود. عراق مدعی بود که کشورهای عربی منطقه هم جزو جهان عرب بوده و باید از وی حمایت کنند تا بتواند از کیان جهان عرب دفاع کند.

بعد از عملیات فاو، کویت و عربستان احساس کردند که باید سیاست خود را تغییر دهند و در این راستا اولاً حمایت خود از عراق را افزایش دادند تا با قوی‌تر شدن عراق، بتواند در مقابل ایران مقاومت نموده و شکست نخورد. در سال‌های ۶۴، ۶۵ و ۶۶ هم این سیاست ادامه یافت. ثانیاً از قدرت‌های بزرگ برای حفظ امنیت منطقه دعوت نمودند. قبل از سال ۱۳۶۵، آمریکا تلاش زیادی کرده بود تا بتواند در منطقه پایگاه‌هایی احداث کند که هر بار با مخالفت کشورهای منطقه مواجه شده بود؛ اما در سال ۱۳۶۵ ریچارد مورفی چند سفر در منطقه انجام داد و در اواخر همین سال تحولی در سیاست کشورهای عرب حوزه خلیج فارس ایجاد شد و با افزایش حمله به کشتی‌ها در خلیج فارس، کویت از کشورهای بزرگ نظیر شوروی، آمریکا، فرانسه و انگلیس دعوت کرد تا کشتی‌های کویتی را اسکورت کنند.

هم‌زمان عراق یک ناوچه آمریکایی را مورد اصابت قرار داد و چند نیروی آمریکای کشته شدند که همین بهانه‌ای شد تا آمریکا حضور خود در منطقه را تقویت کند. روس‌ها اولین قدرتی بودند که به دعوت کویت پاسخ مثبت دادند و در رقابت با این اقدام شوروی، آمریکایی‌ها به سرعت و حتی بدون طی مراحل مرسوم اداری خود، دعوت کویت را پذیرفته و عهده‌دار اسکورت کشتی‌های کویتی شدند. اما در اولین اسکورت با مین برخورد کرده و عملاً جنگ خلیج فارس گسترش بیش‌تری یافت.

در سال ۱۳۶۶ جنگ عملاً از حوزه زمین به حوزه دریا منتقل و خلیج فارس هم به نوعی به جبهه اصلی نبرد تبدیل شد. کشورهای حامی عراق در حوزه سیاسی هم به اعضای شورای امنیت

سازمان ملل فشار می‌آوردند که به طور جدی‌تری وارد صحنه شده و برای خاتمه جنگ کاری کنند. همچنین تلاش شد تا با کاهش قیمت نفت، ایران را از منابع ارزی خود محروم سازند. لذا سال ۶۶ کمک‌ها به عراق ابعاد وسیع‌تری گرفته و فشارها در حوزه سیاسی افزایش یافت تا اعضای شورای امنیت به پایان جنگ کمک کنند.

در مجموع این کشورها در پایان دادن به جنگ نقش مهمی ایفا کردند که به نوعی در راستای خواسته عراق برای خاتمه جنگ بود.

ترکیه و برخی کشورهای منطقه هم بدشان نمی‌آمد که پتانسیل ایران و عراق به عنوان دو کشور مدعی منطقه‌ای به نوعی تحلیل رود. زیرا هم عراق و هم ایران ضعیف، ترجیح آنها بود؛ ضمن آنکه جنگ ایران و عراق برای آنها بازی برد-برد بود. چراکه در عین تخلیه قدرت دو کشور، بهترین استفاده اقتصادی را هم می‌بردند. شاید یکی از دلایل شکوفایی اقتصادی ترک‌ها در دهه ۸۰ میلادی، جنگ ایران و عراق بود که به بهترین وجه ممکن از فرصت پیش آمده استفاده کرده و اقتصاد خود را نجات دادند.

دیگر کشورها نظیر پاکستان هم گرچه علناً حمایت نکرد و به نفع صدام نیرویی اعزام نکرد؛ اما با توجه به ارتباط ارتش این کشور با کشورهای عربی منطقه، به شکل غیرمستقیم تجارب خود را به عراق منتقل می‌نمود. افغانستان نیز به دلیل آنکه خود درگیر اشغالگری روسیه بود، نقش مهمی ایفا نکرد.

تحلیل کمی پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط خبرگان

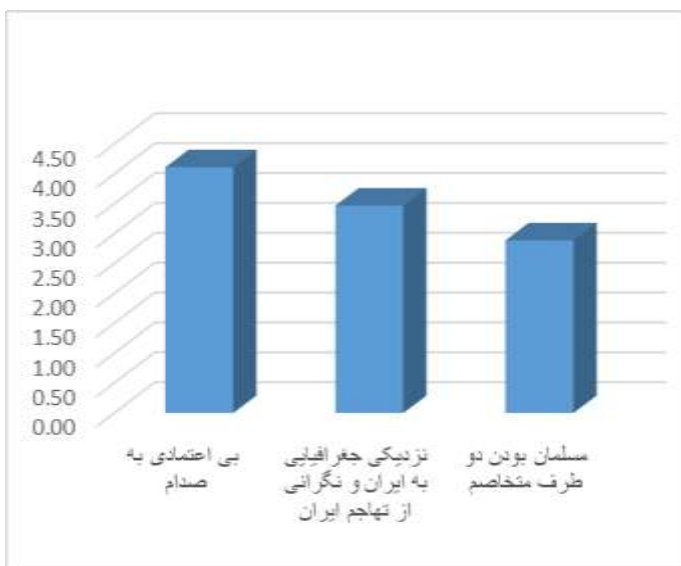
تحلیل آماری پرسشنامه‌های دریافتی نشان می‌دهد که همه پاسخ‌دهندگان قاطعانه معتقدند که عربستان برخلاف ادعای بی‌طرفی، در جنگ از عراق حمایت به عمل آورد (۴,۹۴) که علت اصلی این حمایت‌ها نیز نگرانی از پیروزی ایران در جنگ بود (۴,۷۸). آنان معتقدند که دلیل اتخاذ مواضع عربستان، مواضع ایران در رد اقدامات میانجی‌گرایانه، ایجاد شکاف در جهان عرب و تقسیم آن به دو اردوگاه ناسیونالیسم عربی بوده است (۴,۲۵). آنان در حد زیاد (۴,۱۱) معتقد بودند که دلیل تمایل عربستان به ادامه رابطه با ایران با وجود حمایت از عراق، بی‌اعتمادی به صدام بود.

دلیل اتخاذ مواضع عربستان نگرانی از بسته شدن تنگه هرمز و به خطر افتادن آزادی کشتیرانی در خلیج فارس نیز بود (۳,۶۷). همچنین عربستان با وجود حمایت از عراق، مایل به ادامه رابطه با ایران بود که خبرگان دلیل این سیاست را به ترتیب، نزدیکی جغرافیایی به ایران و نگرانی از تهاجم

دانسته‌اند (۳،۴۷). اما نقش اسلام و مسلمان بودن ایران در تمایل عربستان به ادامه رابطه با آن با وجود حمایت از عراق ضعیف‌تر بود و پاسخ‌دهندگان آن را در حد ضعیف ارزیابی نموده‌اند (۲،۸۹).

آنان قویاً معتقدند که هدف کشورهای امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان از حمایت از عراق، جلوگیری از پیروزی و قدرت‌گیری ایران در منطقه بود (۴،۷۸). دلیل عدم محکوم نمودن صریح ایران توسط کشورهای امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان نیز تاحدی تلاش برای برقراری روابط متوازن با هر دو طرف متخاصم بود (۳،۸۳).

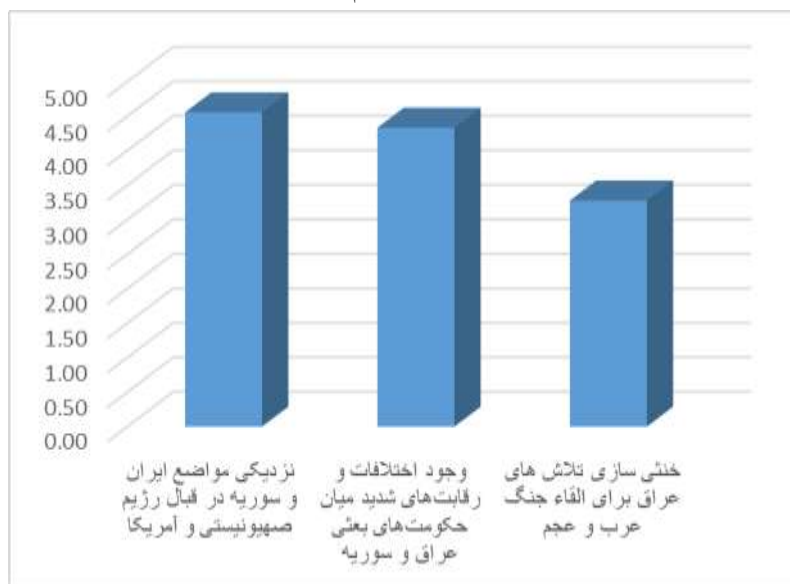
در خصوص مصر، اعتقاد پرسش‌شوندگان حمایت از عراق به دلیل ناسیونالیسم عربی (۴،۲۸) و جلب حمایت کشورهای عربی برای پیوستن دوباره به اتحادیه عرب بوده است (۴،۲۲). همچنین هدف این کشور از تأمین مهمات و قطعات یدکی، سیستم‌های تسلیحاتی و ارائه مشاوره نظامی به عراق، کسب منافع اقتصادی (۴،۱۷) از طریق فروش مهمات و قطعات یدکی به عراق (۳،۸۲) و تغییر سیستم‌های تسلیحاتی خود از روسی به آمریکایی (۳،۳۹) بود. هدف از اعزام نیرو به جبهه‌های جنگ نیز اشتغال‌زایی برای کارگران مصری بوده است (۳،۳۳).



شکل ۵ دلایل تمایل عربستان به ادامه رابطه با ایران با وجود حمایت از عراق

از نظر پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه تحقیق، دلیل حمایت سوریه از ایران در اولویت اول، نزدیکی مواضع ایران و سوریه در قبال رژیم صهیونیستی و آمریکا (۴،۵۶) و در مراتب بعد، وجود

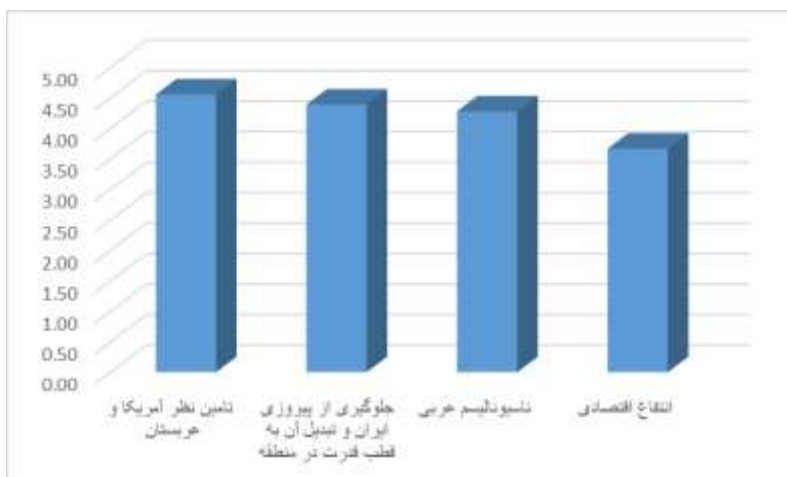
اختلافات و رقابت شدید میان حکومت‌های بعثی عراق و سوریه بود (۴،۳۳). دلیل این کشور برای استقرار نیروهای خود در مرزهای عراق نیز تهدید بغداد به درگیری هم‌زمان در دو جبهه بود تا از فشار نیروهای عراقی در مرزهای ایران کاسته شود (۳،۶۷). به علاوه این کشور قصد داشت تا حدودی تلاش‌های عراق برای اقاء جنگ عرب و عجم را خنثی نماید (۳،۲۸).



شکل ۶ دلایل حمایت سوریه از ایران

پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه تحقیق معتقدند که دلیل حمایت آشکار اردن از عراق، تأمین نظر آمریکا و عربستان (۴،۵۶) و انگیزه این کشور از میانجی‌گری میان عراق و سوریه، قانع نمودن سوریه به عدم حمایت از ایران بود (۴،۵۰).

همچنین این کشور به منظور جلوگیری از پیروزی ایران و تبدیل آن به قطب قدرت در منطقه، آشکارا از عراق حمایت می‌کرد (۴،۳۹). ناسیونالیسم عربی (۴،۲۸) و انتفاع اقتصادی (۳،۶۷) دلایل دیگر این کشور در حمایت آشکار از عراق، بودند.

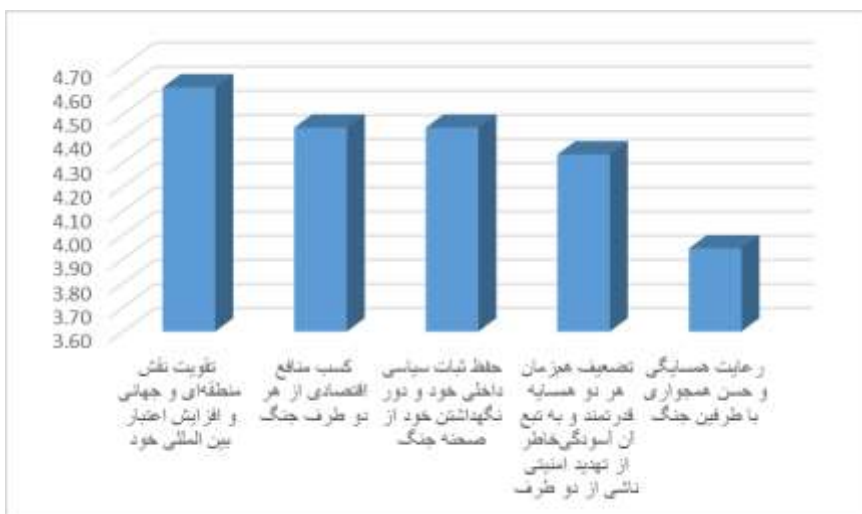


شکل ۷ دلایل حمایت آشکار اردن از عراق

دلایل ترکیه برای اعلام بی طرفی، تقویت نقش منطقه‌ای و جهانی و افزایش اعتبار بین‌المللی خود، کسب منافع اقتصادی از هر دو طرف جنگ، حفظ ثبات سیاسی داخلی و دور نگه داشتن خود از صحنه جنگ و درواقع، تضعیف هم‌زمان هر دو همسایه قدرتمند و به تبع آن، آسودگی خاطر از تهدید امنیتی ناشی از دو طرف بود. ترکیه در سال‌های پایانی جنگ مداخلات محدودی داشت که از نظر پاسخ‌دهندگان، دلیل آن، نگرانی از تجمع چریک‌های کرد در مناطق مرزی خود و احتمال رویارویی با نیروهای ایرانی و ممانعت از انجام اقدامات مخاطره‌آمیز در طول جنگ و انجام عملیات ضدشورش علیه گُردهای متمرّد بود.

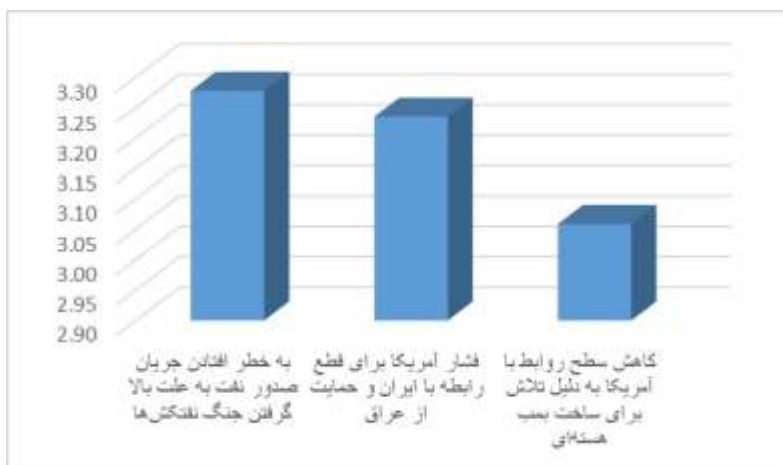
ترکیه با وجود اعلام بی طرفی، به عراق گرایش داشت که دلیل آن، وجوه اشتراک با حکومت سکولار عراق و نگرانی از بنیادگرایی اسلامی در همسایگی خود بود. رعایت همسایگی و حسن هم‌جواری با طرفین جنگ و چشم‌داشت به منطقه نفت‌خیز کرکوک در شمال عراق، دلایل دیگر اما ضعیف‌تر ترکیه برای اعلام بی طرفی در جنگ تحمیلی بودند.

از دیدگاه کارشناسان پاسخ‌دهنده به پرسشنامه تحقیق، مهاجران افغانی به دلیل احساس تکلیف نسبت به کشور میزبان، حمله عراق به ایران را محکوم نموده (۶، ۰۶) و عموم مردم افغانستان متمایل به ایران بوده و از ایران حمایت معنوی به عمل می‌آوردند (۳، ۸۹). اما مجاهدین اهل سنت افغانستان به منظور از دست ندادن حمایت‌های مالی و سیاسی عربستان و دیگر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در جنگ، موضع ابهام‌آمیز اتخاذ نموده (۳، ۸۳) و بدون محکوم کردن عراق (عدم موضع‌گیری شفاف) به دلیل اشتراکات فرهنگی و تاریخی، از ایران پشتیبانی غیر محسوس می‌نمودند (۳، ۷۲).



شکل ۸ دلایل ترکیه برای اعلام بی‌طرفی در جنگ تحمیلی

به باور آنان، علت تلاش‌های پاکستان برای میانجی‌گری برای پایان جنگ، نگرانی از آن بود که جنگ عراق و ایران #مسائل افغانستان را تحت‌الشعاع قرار دهد. به خطر افتادن جریان صدور نفت به علت بالا گرفتن جنگ نفتکش‌ها، فشار آمریکا برای قطع رابطه با ایران و حمایت از عراق و کاهش سطح روابط با آمریکا به دلیل تلاش برای ساخت بمب هسته‌ای، دلایل دیگری بودند که پاکستان برای خاتمه جنگ تلاش می‌کرد.



شکل ۹ دلایل پاکستان در تلاش برای خاتمه جنگ

از نظر پاسخ‌دهندگان، دلیل جانبداری لیبی از ایران، رقابت‌ها و اختلاف قذافی با صدام برای کسب رهبری دنیای عرب بود (۴،۶۱). از دیدگاه آنان، دلیل افزایش تولید و پایین آوردن قیمت نفت در دوران جنگ تحمیلی، ضربه‌زدن به اقتصاد ایران (۴،۶۷) و دلیل حمایت‌های کویت از عراق، نگرانی از پیروزی ایران و گسترش انقلاب اسلامی (۴،۵۶) و دلیل فروش نفت از جانب عراق و تحویل درآمد حاصل از آن به بغداد توسط کویت، جلوگیری از سقوط اقتصاد عراق و روشن نگه‌داشتن ماشین جنگی بود (۴،۵۶).

در مجموع، پاسخ‌دهندگان به ترتیب علل زیر را در حمایت کشورهای منطقه از عراق موثر دانسته‌اند:

- نگرانی از صدور انقلاب اسلامی (۴،۹۴)
 - نگرانی از سرنگونی رژیم‌های پاشاهی و تغییر حاکمیت کشورهای منطقه (۴،۷۲)
 - تحریکات قومی و حمایت متقابل از مخالفان (۴،۳۹)
 - رشد تشیع و شورش شیعیان در منطقه (۴،۳۹)
 - تحریک کشورهای فرامنطقه‌ای (۴،۱۷)
 - تضعیف ارتش ایران (۴،۰۶)
 - رشد بنیادگرایی و افراط‌گرایی دینی در منطقه (۳،۶۷)
- آنان میزان تاثیر هریک از انواع کمک‌های عربستان به عراق را به ترتیب زیر ارزیابی نموده‌اند:
- پرداخت مبالغ هنگفت وجه نقد برای جبران خسارات عراقی‌ها در جنگ و حمایت مالی موثر از عراق (۴،۸۳)
 - فروش نفت از جانب عراق و تحویل درآمد حاصل از آن به بغداد (۴،۶۷)
 - حمایت سیاسی در شورای همکاری خلیج فارس (۴،۵۶)
 - حمایت سیاسی در اتحادیه عرب (۴،۴۴)
 - صدور نفت عراق از طریق خط لوله ینبوع (۴،۳۹)
 - حمایت سیاسی در سازمان کنفرانس اسلامی (۴،۳۳)
 - حمایت سیاسی در سازمان ملل (۴،۲۸)
 - کمک اطلاعاتی (۴،۲۴)
 - فراهم کردن پناهگاه برای هوایماهای عراقی در فرودگاه‌های خود (۴،۰۰)

پاسخ دهندگان تاثیر هر یک از کمک‌های ترکیه به عراق را نیز به ترتیب زیر ارزیابی کرده‌اند:

- ورود به شمال عراق و تعقیب و سرکوب کردها (۳,۸۹)
- فرار دادن بندر مرسین در اختیار عراق (۳,۸۳)

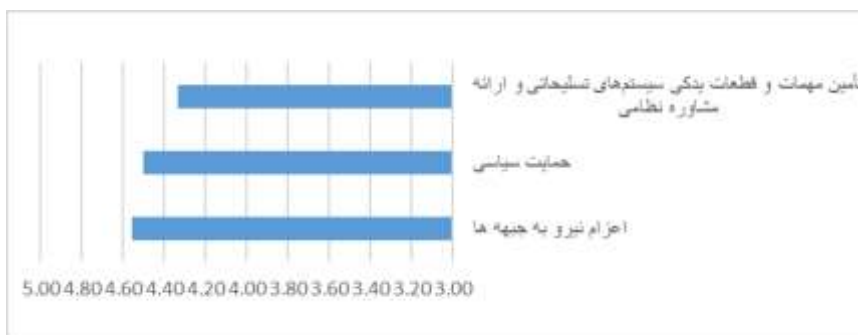


شکل ۱۰ میزان تاثیر هر یک از کمک‌های ترکیه به عراق در جنگ تحمیلی

درخصوص کمک‌های مصر به عراق نیز تاثیر هر یک از این کمک‌ها به ترتیب زیر ارزیابی

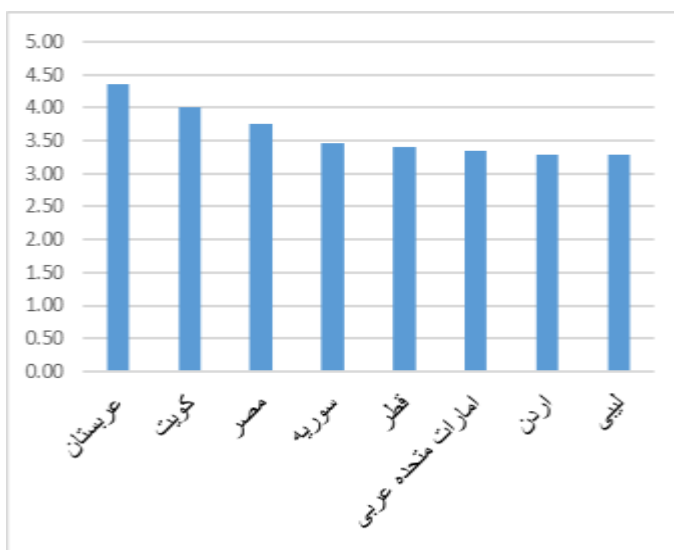
شده است:

- اعزام نیرو به جبهه‌ها (۴,۵۶)
 - حمایت سیاسی (۴,۵۰)
 - تأمین مهمات و قطعات یدکی سیستم‌های تسلیحاتی و ارائه مشاوره نظامی (۴,۳۳)
- آنان سوریه را از حامیان ثابت قدم ایران (۴,۵۹) و اردن را از حامیان ثابت قدم عراق (۴,۵۳) ارزیابی نموده اما در خصوص ثبات لیبی در حمایت از ایران (۳,۴۷) با تردید برخورد کرده‌اند. با توجه به امتیاز تخصیص داده شده به بی‌طرفی افغانستان (۲,۸۸)، بحرین (۲,۱۲)، امارات متحده عربی (۲,۰۰)، قطر (۲,۰۰) و به ویژه کویت (۱,۹۴)، عربستان (۱,۷۶) و مصر (۱,۶۵)، این کشورها را باوجود اعلام رسمی بی‌طرفی از سوی آنان، در جنگ ایران و عراق بی‌طرف ندانسته و معتقد به حمایت این کشورها از عراق می‌باشند.



شکل ۱۱ میزان تاثیر هر یک از کمک‌های مصر به عراق در جنگ تحمیلی

درخصوص تاثیر حمایت کشورهای مختلف از طرفین جنگ در نتیجه نهایی آن، معتقدند که حمایت‌های عربستان بیش‌ترین تاثیر را در نتیجه نهایی جنگ داشته است (۴,۳۵). پس از عربستان، حمایت کشورهای کویت (۴,۰۰)، مصر (۳,۷۵)، سوریه (۳,۴۷)، قطر (۳,۴۱)، امارات (۳,۳۵)، اردن (۳,۲۹) و لیبی (۳,۲۹) در نتیجه نهایی جنگ نقش ایفا کرده است.



شکل ۱۲ تاثیر حمایت کشورهای مختلف از طرفین جنگ در نتیجه نهایی آن

نتیجه گیری

مطالعه ادبیات تحقیق و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان نشان می‌دهد کشورهای حامی عراق در شروع جنگ، کمک‌های تدارکاتی و اطلاعاتی زیادی انجام ندادند و این کمک‌ها فقط در حد قراردادهایی بود که از قبل با عراق داشتند؛ اما از زمانی که ایران وارد فضای جغرافیایی عراق شد، کمک‌های خود را افزایش دادند. لیکن نه به اندازه‌ای که عراق پیروز شود. در انتهای جنگ که عراق دوباره بخش‌هایی از ایران را اشغال کرد هم، شاید فشار آنها بود که صدام در ایران نماند و به مرزهای بین‌المللی بازگشت.

درواقع حتی کشورهای حامی صدام هم می‌خواستند که جنگ پیروز نظامی نداشته باشد. به همین دلیل بعد از جنگ که پتانسیل نظامی صدام خیلی زیاد شده بود با حمله به او به بهانه اشغال کویت، این پتانسیل را از او گرفتند.

تنها کشوری که در جهان عرب و جهان اسلام از ایران حمایت کرد سوریه بود که خطوط نفتی عراق را مسدود کرد و عراق را از درآمدهای نفتی خود محروم نمود. درست است که گفته می‌شود که به ازای آن، نفت مجانی از ایران دریافت می‌کرد؛ اما در آن شرایط عراق حاضر بود بیش‌تر از ایران نفت بدهد اما خطوط لوله‌اش باز شوند.

در مقابل، بسیاری از کشورهای غربی و شرقی از عراق حمایت کردند. در طول تاریخ به‌ندرت آمریکا و شوروی که هر کدام قطب جداگانه‌ای برای خود بودند، هم‌راستا عمل کرده‌اند که یکی از این موارد، جنگ ایران و عراق و حمایت هر دو کشور از عراق بوده است. براساس اسناد موجود، فرانسه هواپیماهایش را با خلبان اجاره داده بود. زیرا عراق فرصت آنکه در بحبوحه جنگ بخواند خلبان آموزش دهد نداشت. در میان اسرا هم از ملیت‌های مختلف وجود داشت. تاثیر این کمک‌ها را می‌توان در چهار سطح تحلیل نمود:

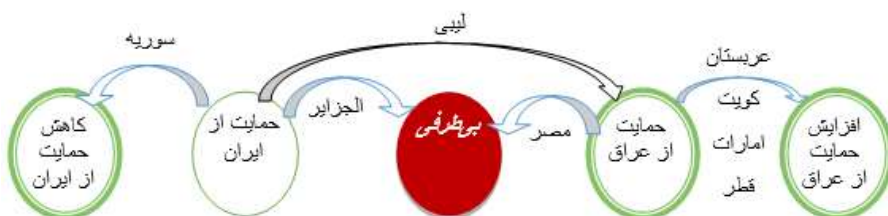
الف- در سطح تاکتیکی، هر نبردی که رخ می‌داد باعث می‌شد عراق تا حدی از شکست فرار کند. نیروی هوایی عراق موشک هواپه‌ه‌وای برد بلند نداشت؛ اما از زمانی که این سلاح‌ها به عراق داده شد وضعیت تغییر کرد و توانست از راه دور نبرد را هدایت کند.

ب- در سطح عملیاتی، ایران در شروع جنگ در نبرد دریایی موفق بود و نیروی دریایی ایران زیاد مستهلک نشد؛ اما از زمانی که عراق هواپیماهای سوپراتاندارد و موشک آگزوست دریافت کرد، توان دورایستایی آن، وضع صحنه جنگ را تغییر داد. در عملیات‌های اولیه، ایران توانست با قدرت

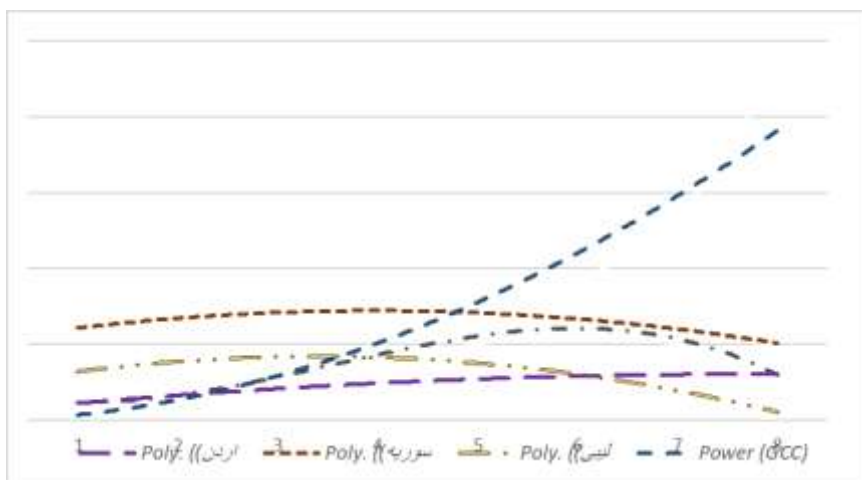
آتش و برتری نفرات خود، شکست را بر عراق تحمیل کند؛ لیکن عراق آن را جبران و برتری عملیاتی ایران را خستی می‌کرد؛ اما بعد از والفجر ۸ دیگر عملیات چندان موفق نداشت.

ج- در سطح راهبردی کمک‌هایی که به‌ویژه بعد از فتح خرمشهر بیش‌تر شد، امکان شکست عراق را از بین برد و ماشین جنگی عراق هیولایی شد که هر سر آن را می‌زدند، چند سر تازه پیدا می‌کرد؛ و به واسطه کمک‌هایی که در اختیارش قرار گرفته بود، مرتب خود را بازسازی می‌کرد. به همین دلیل هیچ‌یک از موفقیت‌های ایران نمی‌توانست به پیروزی بزرگ منتهی شود.

د- در سطح راهبرد کلان (گرند استراتژی) عراق خیلی حمایت نمی‌شد و آنچه برای حمایت از آن تعریف کرده بودند تا سطح راهبردی بود. هدف آن بود که ایران به اهداف خود نرسد (گرامت، جنایت جنگی، حقوق کیفری بین‌المللی و امثالهم) و جنگ همچنان لاینحل باقی بماند.

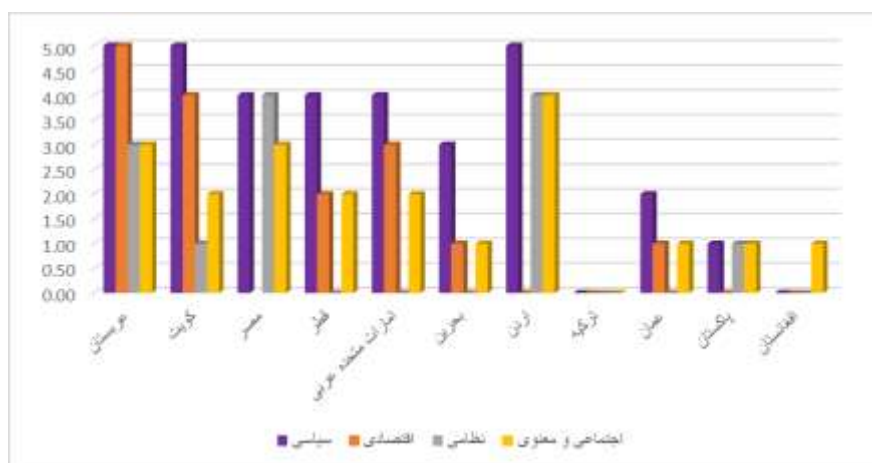


شکل ۱۳ تغییر رفتار کشورها در طول هشت سال جنگ تحمیلی



شکل ۱۴ رفتار حمایتی کشورهای منطقه در سال‌های مختلف جنگ

در حالی که حمایت از صدام به شکل محسوسی افزایش می‌یافت، در روند هشت ساله جنگ حمایت از ایران رو به کاهش داشت.



شکل ۱۵ انواع کمک‌های کشورهای منطقه به عراق در دوران جنگ تحمیلی

پیشنهاد اجرایی

بر اساس اسناد متقن و اعتراف مقامات رسمی کشورهای عربی مصر، عربستان، امارات، اردن، سودان و کشورهای غربی نظیر آمریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان، همه این کشورها در جنگ تحمیلی از صدام حمایت کرده‌اند. لذا پیشنهاد می‌گردد ایران در مجامع بین‌المللی نظیر دیوان دادگستری لاهه، علیه این کشورها طرح دعوی نموده و از آنان غرامت مطالبه کند. اما برای احراز مسئولیت این کشورها و ادعای غرامت، ابتدا باید مسئولیت عراق محرز شود؛ زیرا اگر مسئولیت عراق محرز نشود نمی‌توان مسئولیت این کشورها را محرز نمود که اصطلاحاً به آن «مسئولیت اشتقاقی» گفته می‌شود. این نوع مسئولیت شامل کسانی است که از خلفا کار پشتیبانی یا حمایت کرده‌اند. در ماده ۱۶ طرح پیش‌نویس مسئولیت دولت‌ها که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده ولی هنوز تبدیل به کنوانسیون بین‌المللی نشده ولی قواعد آن رویه قضایی پیدا کرده و به رسمیت شناخته شده، مسئولیت اشتقاقی مورد توجه قرار گرفته است.

علاوه بر سند حقوق بین‌الملل به عنوان یک سند مستقل، رویه قضایی هم مؤید آن بوده و در بحث کیفری، معاونت جرم مطرح است؛ هرچند که اینجا بحث از اعمال خلاف است نه جرم، لذا موضوع، بایستی حقوقی دنبال شود.

بر اساس مطالعات انجام شده، صدام حداقل در سه مورد مرتکب خلاف بین‌المللی شده است:

الف- نقض قرارداد ۱۹۷۵ که در ماده ۶ آن آمده که مرزها غیرقابل تغییر می‌باشند؛ اما صدام با پاره کردن قرارداد این تعهد بین‌المللی را نقض کرد.

ب- نقض محرز حقوق مخاصمات مسلحانه یا حقوق بشردوستانه بین‌المللی که بحث انواع جرایم جنگی و کاربرد تسلیحات ممنوعه و رفتار نامناسب با اسرا را مطرح می‌کند.

ج- بحث جرم تجاوز سرزمینی به کشور ایران که نقض منشور ملل متحد بوده که تصریح نموده کشورها نباید علیه سرزمین یکدیگر به زور متوسل شوند. این مفهوم در مصوبات و قطعنامه‌های مختلف شورای امنیت سازمان ملل نیز دیده می‌شود.

با توجه به مطالعات انجام شده، ارتکاب اعمال متخلفانه توسط صدام محرز بوده و دولت‌های حامی آن از جمله کشورهای منطقه نیز به دلیل حمایت از متخلف، مسئول می‌باشند. این دولت‌ها (دولت‌های حامی) چهار گونه کمک به عراق ارائه کرده‌اند:

الف- کمک اطلاعاتی اعم از شنود و رصد و پایش تحرکات نظامی ایران؛

ب- واگذاری تجهیزات یا فراهم آوردن زمینه برای ارسال تجهیزات ممنوعه از طریق خاک خود به عراق که در اینجا دو مسئولیت دارند:

- عدم پیشگیری؛ که تخلف بین‌المللی محسوب می‌گردد.

- نقض بی‌طرفی؛ زیرا آنها طرف دعوی ایران در جنگ نبودند.

ج- گسیل تجهیزات و نفرت مزدور به طوری که اسرایی که ایران در جنگ گرفت از ۱۷ کشور بودند که نشان می‌دهد کمک نظامی مستقیم به عراق کرده‌اند.

د- انواع و اقسام تسلیحات شیمیایی و تاسیسات تولید مواد شیمیایی که با کمک فرانسه و آلمان از طریق اردن به عراق حمل شده و نشان می‌دهد کشورهای عربی دخالت مستقیم در جنگ داشته‌اند؛ لذا مسئولیت بین‌المللی این کشورها در جنگ محرز است.

علاوه بر اسناد، بیانات مقامات این کشورها که از نظر حقوق بین‌الملل به عنوان اقرار و سند محسوب می‌شوند نیز مؤید مسئولیت کشورهای منطقه در حمایت از عراق است.

یکی از دلایل عراق برای حمله به ایران، بازپس‌گیری جزایر سه گانه بود در حالی که این موضوع هیچ ربطی به عراق نداشت و فقط می‌خواست حمایت کشورهای عربی را به همراه داشته باشد.

در اینجا ممکن است بحث مرور زمان مطرح شده و گفته شود که بیش از سی سال از جنگ سپری شده است و چون تا حالا ایران دنبال حقوق خود نبوده این امر به معنی اعراض ضمنی محسوب می‌گردد. اما این بحث در نظام بین‌الملل مطرود است. در نظام حقوقی کشورهای منطقه و ایران هم نیست؛ مگر آنکه تصریح شده باشد که ایران از حقوق خود صرف نظر نموده که این

اتفاق رخ نداده و بارها مقامات ایران مطالبات جنگ را مطرح نموده‌اند. مثلاً آقای هاشمی رفسنجانی خسارات جنگ را ۱۰۰۰ میلیارد دلار اعلام کردند. سایرین نیز ارقام دیگری مطرح نموده‌اند و همه اینها نشان می‌دهند ایران از حقوق خود اعراض نکرده است. لذا کشورهای حامی مسئول بوده و باید خسارات را جبران کنند.

در خصوص مکانیسم‌های طرح دعوا نیز می‌توان از ظرفیت‌های حقوق داخلی این کشورها علیه خودشان استفاده نمود. در این موارد بهتر است اقامه دعوی علیه شرکت‌های مستقر در این کشورها باشد. از ظرفیت‌های داخلی کشور نیز می‌توان برای طرح دعوی و صدور رأی استفاده نمود. ظرفیت سوم، استفاده از مکانیسم‌های بین‌المللی برای طرح دعوی در دیوان بین‌المللی لاهه می‌باشد. علاوه بر آن، کشورها می‌توانند به توافق رسیده و با تشکیل دادگاه‌های ترکیبی خاص، یک دیوان قضایی برای صدور رأی در خصوص تعیین غرامت و پرداخت خسارت جنگ تشکیل دهند.

کتابنامه

احمدی، حمید (۱۳۷۹). «نظام بین‌المللی معاصر و فراز و نشیب‌های روابط ایران و مصر»، فصلنامه مطالعات آفریقا، سال پنجم، شماره دوم.

بولتن دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ش ۲۷

هیرو، دلیپ (۱۳۸۶). ایران در حکومت روحانیون، ترجمه محمدجواد یعقوبی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران: انتشارات باز.

Ottaway Darid B. Gulf Arabs Place Reins on Iraq While Filling War Chest, Washington post, December 21, 1987

Ramazani, R. K. "Revolutionary Iran: Challenge and Response" in the Middle East USA: John Hopkins University Press 1986

Mannock, Robin, The Gulf War: When Money Is No Object, An- Nahar Arab Report and Memo 11 January 16, 1987

Tripoli Radio, 9 October 1980

<http://old.nasimonline.ir/Service/Index/139/%>

<http://defamoghadas-1.blogfa.com/post/4> - ۱۳۹۱ - امیر حسین ایوبی

<https://fararu.com/fa/news/412347/%9%82>

- محمد نصر - برگرفته از درویشی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ <http://wikiwar.blogfa.com/post/91>

<http://wikiwar.blogfa.com/post/91> - نصر

کشیشیان، جوزف ای، شورای همکاری خلیج فارس و جنگ ایران و عراق؛ www.dsrc.ir/View/article.aspx?id=

www.negineiran.ir/article.html، ۱۳۸۹، موسوی،

www.negineiran.ir/article.html - ۱۳۸۹، فرج زاده،